

## Typology of Deduction on the Quran Based on Traditions of the Infallibles Ones

Ezzatallah Molaeniya<sup>1</sup>Hossein Moradi<sup>2\*</sup>

### Abstract

Among the Interpretive narrations- which are often influenced by the status of infallibility and Imamate - are those in which, Infallibles (Ma'soumin) not necessarily relying on their status of infallibility and personal knowledge, Rather, accuracy in the words and phrases of the Quran has led them to the delicate and subtle understandings and points, as well as they were expect this types of deductions from their followers and sometimes with question-surprise expressions such as: "Have you not read this verse? Have you not heard this verse? Have you not heard what God says?" reprimanded and interrogated them. In this kind of traditions, most of the points that the infallible Imams derive from the verses are not points that they necessarily have to devote to themselves, but others can reach them in the light of deduction in the Quran. Contrary to their interpretations, which were influenced by the source of the Imamate and others can not reach them. The present article attempts through a descriptive-analytical approach that recognizes various types of such traditions within the context of Shi'a narrative commentaries and makes them suitable examples and models for who are interested in deduction in the Quran. Some of the variant types of this group of traditions are: pay attention to earlier and later words and phrases; pay attention to context of verses in order to reach vocabulary meanings; pay attention to Linguistic structure of words and phrases; Referring verses to one another; deduction in the Quran in the form of prayer, etc.

### Keywords

Typology, Deduction on Quran, Traditions of Infallible Ones, Narrative Commentaries.

**Citation:** Molaeniya, E., Moradi , H (2021) Typology of Deduction on the Quran Based on Traditions of the Infallibles Ones. Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 7, No. 2 (Serial. 14), pp. 187-207. (In Persian)

1. Associated Professor of Department of Quran and Hadith, Qom University.

Email: molaeniya@gmail.com

2. Responsible Author, Ph.D Student in Comparative Interpretation, Department of Quran and Hadith, Qom University. Email: hmoradiz@yahoo.com

Received on: 01/11/2020

Accepted on: 18/01/2021

## گونه‌شناسی تدبّر در قرآن، در احادیث معصومین (ع)

عزت‌الله مولایی نیا<sup>۱</sup>  
حسین مرادی\*<sup>۲</sup>

## چکیده

در میان احادیث معتبر تفسیری - که اغلب از مقام عصمت و امامت معصومین (ع) متأثرند - مواردی مشاهده می‌شود که در آن‌ها پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع)، نه لزوماً با اتکا به مقام عصمت و علم شخصی خود، بلکه با دقت و تدبّر در واژگان قرآن و استناد به آن‌ها، به برداشت‌های لطیفی نایل شده‌اند و این قبیل برداشت‌ها را از پیروان خود نیز انتظار داشته و گاه، آنان را با عبارات سؤالی - تعجبی مانند: «أما تَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ...؟! أما قَرَأْتَ...؟! أما قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ؟! اما سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ؟!» و ... بابت نداشتن این قبیل برداشت‌ها از قرآن، مورد استفهام و احیاناً بازخواست قرار داده‌اند. بازشناسی گونه‌هایی از این احادیث - که در واقع، مصادیقی از «تدبّر» معصومین (ع) در قرآن می‌باشند و نه تفسیر و تأویل - از آن‌جا که روش‌ها و الگوهای شایسته‌ای را در اختیار علاقمندان به تدبّر در قرآن قرار می‌دهد، بسیار حائز اهمیت است. مقاله حاضر، با روش اکتشافی - تحلیلی و با جستجو در تفاسیر روایی، در پی پاسخ به این سؤال است که چه گونه‌هایی از تدبّر در قرآن را می‌توان در لابلاهی احادیث تفسیری معصومین بازشناسی و بسان روش‌ها و الگوهای تدبّر معرفی کرد. گونه‌های بازیابی شده عبارتند از: نکته‌یابی از تقدیم و تاخیر کلمات؛ توجه به آیات پسین به منظور دستیابی به معانی واژگان؛ نکته‌یابی از ساختار زبانی واژه‌ها؛ تبیین آیات با یکدیگر؛ تدبّر در پرتو مخاطبه با قرآن؛ تدبّر در قالب دعا و ....

## کلیدواژه‌ها

گونه‌شناسی، تدبّر در قرآن، احادیث معصومین، تفاسیر روایی.

استناد: مولایی نیا، عزت‌الله؛ مرادی، حسین (۱۴۰۰). گونه‌شناسی تدبّر در قرآن، در احادیث معصومین (ع)، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۷(۲)، پیاپی ۱۴، صص ۱۸۷-۲۰۷.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم. molaeiniya@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول). hmoradiz@yahoo.com

## ۱. طرح مسأله

در برخی احادیث معصومین (ع) ذیل آیات قرآن، معنا و مفهوم واژگان و عباراتی از آیات، شرح و توضیح داده شده است و مصادیقی از آن‌ها بیان شده‌اند، بدون این‌که در آن‌ها استدلال و استناد ویژه‌ای به الفاظ آیات صورت گرفته باشد. در برخی دیگر، کلمه‌ها و عبارات و آیاتی از قرآن تأویل شده و معانی باطنی و حقایق خارجی آن‌ها بیان شده است؛ در این احادیث نیز استدلال و استنادی به کلمات و عبارات آیات صورت نگرفته و معصومین (ع) با اتکا به علم خاص امامت به بیان این قبیل احادیث پرداخته‌اند. در گروهی دیگر، برخلاف دو دسته نخست، معصومین (ع) با استناد به برخی واژگان و عبارات و جملات آیات و با دقت و تدبّر در آن‌ها، به برداشت‌های لطیفی دست یافته‌اند. به عبارت دیگر، ائمه هدی (ع) در گروه نخست (احادیث تفسیری) به تفسیر پرداخته‌اند و در گروه دوم (احادیث تأویلی) به تأویل همت گمارده‌اند و در گروه سوم (احادیث تدبّری) به تدبّر در قرآن پرداخته و روش‌ها و الگوهای از تدبّر و دقت در آیات قرآن را به پیروان خود ارائه داده‌اند.

این مقاله در پی آن است که تفاوت احادیث تدبّری را با دو دسته دیگر نشان دهد و گونه‌هایی از آن‌ها را در محدوده تفاسیر روانی شیعی به ویژه تفسیر البرهان بحرانی و نورالثقلین حویزی استخراج کند و برخی قواعد و شیوه‌های به کار رفته در آن‌ها را بازشناسی کرده و به عنوان روش‌ها و الگوهای مناسب برای برداشت از قرآن معرفی کند. بر این اساس، سؤال اصلی در این مقاله این است: چه گونه‌هایی از تدبّر در قرآن را می‌شود در احادیث معصومین (ع) بازشناسی کرد؟

در سال‌های اخیر که باب تدبّر در قرآن بیش از پیش گشوده شده و لزوم تدبّر در قرآن، با عنایت و ترغیب برخی از علما و محققان بیش از پیش، در جامعه ما مطرح شده و برخی از مدرسه‌های تدبّر در قرآن شکل گرفته‌اند و اقشار مختلف مردم به ویژه جوانان به این مقوله ابراز علاقه می‌کنند و احیاناً روش‌هایی را نیز به این منظور برمی‌گیرند، ضرورت دارد در رابطه با تدبّر در قرآن و گونه‌های صحیح آن، در احادیث معصومین (ع) هر چه بیشتر تحقیق شود و روش‌ها و الگوهای شایسته تدبّر در قرآن ارائه شود.

در رابطه با پیشینه موضوع این مقاله، از دو دسته آثار می‌توان یاد کرد: ۱. آثار مربوط به تدبّر و روش‌های آن ۲. آثار مربوط به گونه‌شناسی احادیث تفسیری. در رابطه با دسته نخست، آثار متعددی نگاشته شده است؛ اما مطمئناً هیچ‌کدام از آن‌ها موضوع این مقاله را تحت پوشش قرار نمی‌دهند؛ از جمله: «متدولوژی تدبّر در قرآن» تألیف عبدالعلی

بازرگان؛ مولف در این اثر به ارائه برخی از قواعد برای فهم صحیح واژگان، عبارات و آیات قرآن و نکته‌یابی از آن‌ها پرداخته و در ارائه روش‌ها و شیوه‌های خود، التزامی به تبیین انواع و گونه‌های تدبیر در قرآن از سوی معصومین نداشته است. «پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن» تالیف ولی‌الله نقی‌پورفر؛ در این کتاب نیز زمینه‌ها، کلیدها، اصول، مبانی و شیوه‌هایی برای تدبیر مطرح شده و البته استناداتی نیز به احادیث صورت گرفته است، اما هیچ تعهدی به رده‌بندی مصادیق تدبیر در احادیث معصومین ندارد. «تدبیر در قرآن، شامل زمینه‌ها، کلیدها، اصول، روش‌ها، مراحل و نمونه‌ها» تالیف محمد بیستونی؛ این کتاب در واقع برگزیده‌ای از کتاب قبلی است و مانند آن هیچ هم‌پوشانی با موضوع این مقاله ندارد. «آموزش روش‌های تدبیر در قرآن (دوره ده جلدی)»، تالیف احمدرضا اخوت؛ این اثر نیز به رغم تفصیلی که دارد، هیچ هم‌پوشانی با موضوع اصلی این مقاله ندارد. این کتاب عمدتاً به اصول، مراحل و روش‌ها و شیوه‌های مطالعه و فهم قرآن پرداخته و در هیچ‌یک از مجلدات خود، به معرفی گونه‌های تدبیر معصومین در قرآن نمی‌پردازد. «روش تحقیق موضوعی در قرآن» تالیف محمدعلی لسانی فشارکی و حسین مرادی زنجانی؛ این کتاب برای تحقیق و بررسی یک موضوع در قرآن مراحل و شیوه‌هایی را ارائه می‌کند و ارتباطی با موضوع این مقاله ندارد. «روش تحقیق ساختاری در قرآن» تالیف محمدعلی لسانی فشارکی و حسین مرادی زنجانی؛ این کتاب نیز برای بررسی مفاهیم یک سوره، مراحل و مقاطعی را ارائه می‌کند و وارد گونه‌شناسی احادیث معصومین در خصوص تدبیر در قرآن نمی‌شود.

در رابطه با گونه‌شناسی احادیث تفسیری نیز آثار متعددی تالیف شده است.<sup>۱</sup> آثار موجود، احادیث تفسیری را از جهات مختلف و در گونه‌های مختلف دسته‌بندی کرده و نمونه‌هایی را برای آن‌ها ذکر نموده‌اند؛ دسته‌هایی مانند: احادیث فضائل آیات و سوره، بیان معانی لغوی، احادیث توضیحی، احادیث فقهی، احادیث داستانی و قصصی، ترسیم فضای نزول، احادیث مبین حکمت و علت تشریح احکام الهی، بیان مصادیق

۱. برخی از مقالات و پایان‌نامه‌هایی که به معرفی گونه‌های روایات تفسیری پرداخته‌اند عبارتند از: بصیرتی برزکی، ۱۳۹۴ش؛ پورکیبیریان، ۱۳۹۴ش؛ جلالی‌کندری و امینی، ۱۳۹۳ش؛ ۲۴۰-۲۶۰؛ جلالی‌کندری و میثاقی، ۱۳۹۰ش؛ ۲۷-۶۶؛ خاکپور، ۱۳۹۱ش؛ ۹۱-۱۲۱؛ خالدی، ۱۳۹۶ش؛ خوشدونی، ۱۳۹۶ش؛ رستم‌نژاد، ۱۳۸۸ش؛ ۷۵-۹۴؛ صفری، ۱۳۸۷ش؛ عابدی و خاکپور، ۱۳۹۰ش؛ ۲۲-۴۰؛ کوهی و دیگران، ۱۳۹۳ش؛ ۱۲۰-۱۴۱؛ محفوظی و دیگران، ۱۳۹۴ش؛ ۱۶۰-۱۷۶؛ مصلائی‌پور یزدی و دیمه کارگراب، ۱۳۸۹ش؛ ۷۵-۹۶؛ مهریزی، ۱۳۸۹ش؛ ۴-۳۴؛ موسوی و خلیلی، بی‌تا، ۵۸-۷۶؛ ناصح و بهرامی، ۱۳۹۵ش؛ ۱۹۳-۲۱۴؛ نوروزی و برادران، ۱۳۹۳ش؛ ۲۶-۴۴؛ نوروزی و برادران، ۱۳۹۳ش؛ ۸۰-۹۸؛ وحدتی شبیری، ۱۳۹۲ش، ۱۴۵-۱۶۴.

ظاهری، احادیث تمثیلی، تشبیهی، تصویری، بیان معانی مجازی، بیان معانی رمزی، بیان مصادیق و مفاهیم پنهان، احادیث معرف مقامات اهل بیت (ع) به عنوان مصادیق اتم آیه، احادیث بیانگر مفاهیم غیبی و ...

پرواضح است معرفی همه این آثار و تبیین تفاوت آن‌ها با موضوع این مقاله در این نوشتار ممکن نیست؛ آنچه می‌توان گفت این است که همه این آثار در مقام گونه‌شناسی احادیث تفسیری معصومین (ع) بوده و هیچ‌یک از آن‌ها موارد تدبّر در قرآن در احادیث معصومین را رده‌بندی نمی‌کنند.

روش تحقیق در این مقاله روش اکتشافی - تحلیلی بوده و اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. از آن‌جا که این تحقیق در پی بازشناسی مواردی خاص از احادیث است، از روش اکتشافی بهره بردیم و از آن‌جا که احادیث کشف شده مبنای ارائه دیدگاه‌هایی نوین در بحث تدبّر در قرآن قرار می‌گرفتند، روش تحلیلی به کار بستیم. به این منظور با مراجعه به تفاسیر روائی شیعی مانند البرهان و نورالثقلین و برخی دیگر از منابع روائی، احادیثی را که در آن‌ها معصومین (ع) با استناد به واژگان و عبارات قرآن (نه با تکیه بر علم شخصی و مصدر امامت) به برداشت‌های لطیفی دست یافته‌اند، استخراج و مورد تحلیل و گونه‌شناسی قرار دادیم و در نهایت، گونه‌هایی از آن‌ها را به همراه نمونه‌هایی از احادیث معرفی کردیم.

## ۲. تفاوت تفسیر با تدبّر

تفسیر، یک علم تخصصی است و از عهده عموم خارج است و خداوند نیز به آن فراخوان عام نداده است. تفسیر، مسائل و مباحث ویژه خود را دارد و علوم و فنون متعددی از جمله علوم ادبی و بلاغی را به عنوان پیش‌نیاز خود می‌طلبد (کافیجی، بی‌تا، ۲۷) و بدون تسلط به این علوم نمی‌توان وارد این حوزه شد. اما تدبّر نسبت به تفسیر همگانی‌تر است و خداوند نسبت به آن فراخوان عام داده است (خمینی، ۱۳۷۳ ش، ۱۹۱). آن تسلط و تخصصی که در تفسیر مطرح است، در تدبّر لازم نیست و افراد مختلف می‌توانند با تقيّد به برخی قیود و شروط و نیز با بهره‌مندی از حاصل مباحث مفسران به تدبّر در الفاظ آیات و نکته‌گیری و یافتن پیام‌ها و لطائف آن‌ها همّت گمارند.

تفسیر، بیشتر از سنخ شرح و توضیح و حلّ مشکل و تفصیل مجملات و بیان متعلقات و تبیین مبهمات و تطویل اشارات و تعیین مصادیق و اظهار مضمرات و تشخیص مقدرات و رفع و رجوع موارد تضاد و تناقض و ... است، اما تدبّر، بیشتر از سنخ استنتاج آیات در

راستای برداشت نکته‌ها، پیام‌ها و کشف تناسب‌ها، هماهنگی‌ها و طرح سؤال‌ها و ابراز شگفتی‌ها و امثال آن است (برای تفصیل در خصوص تفاوت تفسیر با تدبیر، نک: نقی پورفر، ۳۷۱؛ لسانی فشارکی، ۱۳۹۴ ش، ۱۶۱-۱۷۱؛ خوشمنش، ۱۳۸۷ ش؛ محمدعلی‌نژاد، ۱۳۹۴ ش؛ مرادی زنجانی، ۱۳۹۸ ش، ۲۱).

امام خمینی (ره) در بیان تفاوت این دو مقوله می‌فرماید: «یکی دیگر از حُجُب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آن‌که مفسّرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکّر و تدبیر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه گرفته‌اند و به واسطه همین رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند. در صورتی که استفاده‌های اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی بشمار بیاید» (خمینی، ۱۳۷۳ ش، ۱۹۱).

در بیان امام خمینی (ره) حجابی که مانع از استفاده از قرآن است، از جنس «اعتقاد» است؛ یک اعتقاد باطل و فاسد موجب شده که قرآن کریم قابل استفاده برای عموم مردم نباشد. این اعتقاد، در واقع یک «خَلَط مَبْحَث» است؛ خلط بحث تدبیر با بحث تفسیر. این باور متأسفانه در میان مسلمانان جا افتاده و آنان را از فیوضات قرآن بی‌بهره کرده است و قطعاً راه نجات قرآن از مهجوریت نیز، تفکیک میان تفسیر با تدبیر و بازنمودن باب تدبیر به روی مردم است.

عبارت «جمیع فنون استفاده» در کلام امام خمینی (ره)، نشان می‌دهد که هرگونه بهره‌مندی و استفاده‌ای از قرآن، منوط به باز بودن راه تدبیر به روی انسان است. اگر این باب بسته شود، خیری از قرآن عاید انسان نخواهد شد. این تعبیر حضرت امام (ره)، ریشه در احادیث رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) در خصوص اهمیت تدبیر دارد و مطمئناً الهام یافته از آن‌هاست؛ احادیثی که قرائت بدون تدبیر را بی‌فایده و هدررفته معرفی می‌کنند؛ مانند: «وَيْلٌ لِّمَنْ لَّا كَهَابَ بَيْنَ لِحْيَتَيْهِ وَ لَمْ يَتَدَبَّرْهَا» (طبرسی، ۱۳۷۹ ق، ۲: ۵۵۴) و نیز آن حدیث معروف که می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ» (کلینی، ۱۳۶۵ ق، ۱: ۳۶). (برای مطالعه بیشتر درباره تفاوت تفسیر با تدبیر، رک: مرادی زنجانی، ۱۳۹۸ ش، ۸۶-۹۶).

### ۳. جایگاه و ضرورت تدبیر در قرآن، از نگاه احادیث

پیش از این که به جایگاه و ضرورت تدبیر، از نگاه احادیث پردازیم لازم است اشاره کنیم که خداوند در چهار آیه از قرآن کریم، در قالب اسلوب استفهامی و تعجبی - که مضمّن

نوعی گله و شکایت هم می‌باشد - خطاب به همگان، فراخوان تدبیر داده و از تدبیر نکردن در قرآن ابراز بیزاری کرده و موانع آن را جویا شده است: «أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا» (محمد: ۲۴)؛ «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹)؛ «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ» (المؤمنون: ۶۸)؛ «أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (النساء: ۸۲). سه مورد از این آیات با حرف استفهامی «أ» به علاوه «فاء» آغاز شده (أَفَ) و بلافاصله پس از آن یک فعل منفی آمده است «لَا يَتَذَبَّرُونَ، أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا». این اسلوب بیانی «أفلا...؛ أفلم...» متضمن توبیخ، تشویق، فراخوان و در عین حال تعجب و استفهام است (نیز: طباطبائی، ۱۳۹۷ش، ۵: ۲۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۶: ۹۵؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ۶: ۲۹). در آیه ۲۹ سوره ص نیز، حرف «لام» در کلمه «لِيَدَّبَّرُوا» به روشنی حاکی از این است که؛ تدبیر، بخشی از حکمت نزول قرآن بوده و یک وظیفه همگانی است (طباطبائی، ۱۳۹۷ق، ۱۷: ۱۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۶: ۳۸۸).

تدبیر در قرآن، در بیان احادیث، مورد تأکید و ترغیب فراوان قرار گرفته است؛ در این جا چند نمونه از این احادیث با توضیحی مختصر ذکر می‌شوند:

۱. «تَدَّبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أْبْلَغُ الْعِبَرِ؛ در آیات قرآن تدبیر کنید و از آن عبرت بگیرید؛ چراکه قرآن بلیغ‌ترین عبرت‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ۱۱۱). در این بیان علوی (ع) تدبیر به عنوان مقدمه و زمینه‌ساز عبرت و اعتبار (عبرت‌گیری) مطرح شده است و بدون آن، زمینه عبرت‌گیری از آیات قرآن فراهم نمی‌شود.

۲. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) تدبیر در قرآن، در ردیف فهم آیات الهی و به نوعی زمینه‌ساز آن معرفی شده است: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَّبَّرُوا الْقُرْآنَ وَأَفْهَمُوا آيَاتِهِ...؛ ای مردم در قرآن تدبیر کنید و آیات آن را بفهمید». جالب است که در ادامه همین حدیث مسأله تفسیر قرآن، یک کار تخصصی فرض شده است که از عهده همگان بر نمی‌آید و صرفاً بر عهده پیشوایان دین است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۳۲).

۳. امام صادق (ع) خطاب به مفضل فرمود: اگر شیعیان در قرآن تدبیر کنند، به همه فضائل اهل بیت (ع) واقف شوند و هرگونه شک و تردیدی از وجود آنان رخت برینند. به عبارت دیگر، عدم تدبیر در قرآن موجب شده است؛ که فضائل اهل بیت (ع) برای بسیاری از مردم همچنان پوشیده بماند و مقام و جایگاه والای آنان مبرهن نگردد: «يَا مُفَضَّلُ لَوْ تَدَّبَّرَ الْقُرْآنَ شِيعَتُنَا لَمَا شَكُّوا فِي فَضْلِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۳: ۲۶).

۴. عبارت مشهور «أَلَا لَأَخِيرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدْبِيرٌ» از امام علی (ع) را همه ما

شنیده‌ایم، اما کمتر به آن توجه می‌کنیم و عملاً به آن باور نداریم و با خود می‌اندیشیم که ممکن نیست قرائت قرآن هیچ فایده‌ای نداشته باشد. این جمله در ضمن یک حدیث نسبتاً طولانی نقل شده است که در آن قرائت بدون تدبیر در ردیف عبادت بدون تفکر و علم بدون تفهم قرار گرفته است: «... أَلَا لَآخِرَ فِی عِلْمٍ لَیْسَ فِیهِ تَفْهَمٌ أَلَا لَآخِرَ فِی قِرَاءَةٍ لَیْسَ فِیْهَا تَدَبُّرٌ أَلَا لَآخِرَ فِی عِبَادَةٍ لَیْسَ فِیْهَا تَفْکُرٌ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۱: ۳۷).

بی‌فایده بودن علم بدون فهم و عبادت بدون فکر، مسأله مشهور و قابل قبولی است؛ حال، چرا باید بی‌خاصیت بودن قرائت بدون تدبیر مورد انکار و استبعاد قرار گیرد. حدیث «وَيْلٌ لِّمَنْ لَا كَهَا يَنْ لِحَيِّهِ وَ لَمْ يَتَدَبَّرْهَا؛ وای بر کسی که قرآن را میان دو فگش بگرداند و در آن تدبیر نکند» (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ۲: ۵۵۴) نیز ناظر بر همین واقعیت است.

#### ۴. گونه‌های تدبیر معصومین (ع) در قرآن

ائمه هدی (ع) که تا این اندازه، بر مسأله تدبیر تأکید کرده‌اند، خود نیز در تعاملشان با قرآن نسبت به تدبیر، عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و همواره پیروان خود را تشویق به تدبیر می‌کردند و از این‌که آنان پاسخ سؤالات خود را از قرآن در نمی‌یابند اظهار ناخشنودی می‌نمودند و عملاً با ارائه نمونه‌های تدبیر، آنان را به این فضا وارد می‌کردند.

در برخی از احادیث، جمله‌های سؤالی - تعجبی مانند: «أَمَا تَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ...؟ أَمَا قَرَأْتَ...؟ أَمَا قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ؟ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ؟ و...؛ مگر این آیه را نمی‌خوانی، مگر نخوانده‌ای، مگر این آیه را نخوانده‌ای، مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید و...» به گونه قابل توجهی تکرار شده‌اند؛ پیام این تعبیرات سؤال‌گونه این است که شما این آیات را خوانده‌اید و همیشه هم می‌خوانید و می‌شنوید و چه بسا آن‌ها را از بر هم دارید، اما توجهی به آن‌ها نمی‌کنید و از آن‌ها استنتاج نمی‌کنید و در آن‌ها تدبیر نمی‌کنید و اصولاً آن‌ها را محتوی نکته و سخن نمی‌دانید. این‌گونه تعبیر، حاکی از این واقعیت‌اند که اهل بیت (ع) در برابر برخی از سؤالات و اظهارات صحابه، متعجب و شگفت‌زده می‌شدند که چگونه ممکن است یک مسلمان، قرآن بخواند و در عین حال، پاسخ این قبیل سؤالات را درنیابد! مگر می‌شود انسان این آیه را خوانده باشد و باز هم با این شبهه و مشکل درگیر باشد! معصومین (ع) در قالب این احادیث، در پی آن هستند که شیعیان خود را دعوت به تدبیر در قرآن کنند تا به برداشت‌های مختلف از آیات دست یابند. برای نمونه:

۱. «عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَقُولُ وَيْلٌ



لِمَنْ غَلَبَتْ أَحَادُهُ أَعْشَارُهُ فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ هَذَا قَالَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا - فَالْحَسَنَةُ الْوَاحِدَةُ إِذَا عَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا وَالسَّيِّئَةُ الْوَاحِدَةُ إِذَا عَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ وَاحِدَةٌ فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّنْ يَرْتَكِبُ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَلَا يَكُونُ لَهُ حَسَنَةٌ وَاحِدَةٌ فَتَغْلِبُ حَسَنَاتُهُ سَيِّئَاتِهِ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ۱۶: ۱۰۳).

امام صادق (ع) از آیه: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا» جمله هشدارآمیزی اقتباس فرموده‌اند: «ویل لمن غلبت آحادُهُ أَعْشَارُهُ؛ وای به حال کسی که یکان (بدی‌های) او بر دهگانش (خوبی‌هایش) غالب شود؛ بسیاری از ما بارها این آیه شریفه را خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، اما هیچ‌گاه متوجه این هشدار اساسی نشده‌ایم. امام (ع) در قالب این حدیث و با خطاب تأمل برانگیز «أَمَا سَمِعْتَ»، به ما می‌آموزد که به آیات الهی خوب گوش فرا دهیم و پیام نهفته در آن‌ها را بشنویم و از آن‌ها عبور نکنیم. ممکن است آیه در ظاهر، صرفاً یک جمله خبری باشد، اما ده‌ها هشدار، امر، نهی، توییح، دعا و... در آن نهفته است.

۲. «... شَهَابُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ قَالَ شَكُوتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالتَّخَمِ فَقَالَ تَغَدَّ وَتَعَشَّ وَلَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئاً فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۳: ۳۴۲). در این حدیث امام صادق (ع) به یکی از یاران خویش که از دردهای جسمی شکوه داشت فرمود: تنها صبح و شام غذا بخورد و در فاصله میان آن دو وعده غذایی نداشته باشد. آن‌گاه در مقام استدلال، آیه‌ای از آیات مربوط به بهشت را تلاوت می‌کند: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا». در این جا هم ملاحظه می‌شود؛ که امام (ع) در مقام تعلیم این نکته اساسی است که آیات بهشت و جهنم صرفاً برای ترغیب و ترهیب نیست، بلکه ما از این آیات نیز باید سبک زندگی صحیح و آداب سلوک مادی و معنوی را بیاموزیم.

۳. «عَنْ مَسْمَعٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «مَا يُمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَ يَرْكَعَ رُكْعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا؟ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؟ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۰۹). در این جا هم ملاحظه می‌شود که امام با قرائت بخشی از یک آیه، اظهار تعجب می‌کند که چرا ما پیام صریح و آشکار این آیه را نمی‌شنویم. قرآن در کمال صراحت می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ!» با این همه به هنگام مسائل و مشکلات به همه چیز دست می‌یازیم غیر از نماز!

۴. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) إِنَّ النَّاسَ قَبَلَنَا قَدْ أَكْثَرُوا فِي الصَّفِّهِ فَمَا تَقُولُ فَقَالَ مَكْرُوهٌ أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُتْنَهِي تَكَلَّمُوا فِيمَا دُونَ ذَلِكَ» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ۴۵۸). در این حدیث امام باقر (ع) در پاسخ به زراره که از وصف ذات خدا سؤال کرده بود، از یک آیه کوتاه سه چهار کلمه‌ای «وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُتْنَهِي» یک دستور اساسی در رابطه با مباحث اعتقادی و کلامی برداشت می‌کنند و می‌فرمایند که در وصف ذات خداوند باری تعالی غور نکنید، چرا که نهایت همه چیز خداوند است و اگر بنا دارید بحث و گفتگو کنید، به غیر از ذات خدا و بیشتر در رابطه با افعال او صحبت کنید.

در این بخش، نخست تعریفی از واژگان گونه، گونه‌شناسی و تدبیر ارائه شده؛ آنگاه گونه‌هایی از تدبیر معصومین در قرآن معرفی می‌شود:

«گونه» در لغت؛ با کلمات نوع، طرز، رنگ، شکل، سنخ، صنف و ... مترادف است (عمید، ۱۳۵۰ش، ۷۹۳) و گونه‌شناسی عبارت از تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌ها با توجه به مشخصات آن‌ها و بر پایه معیارهایی خاص می‌باشد (ساروخانی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۱۶۸). گونه‌شناسی در مطالعات حدیثی نیز رویکردی علمی به سنخ‌شناسی احادیث است که با ارائه معیارهایی خاص به دنبال انتظام احادیث در مجموعه‌ای منسجم است. همچنین مقصود از گونه‌شناسی در پژوهش‌های تفسیر روایی «طبقه‌بندی روشمند و موضوعی احادیث قرآنی به انواع مختلف، با توجه به ویژگی‌های متن‌های هر نوع» است (راد، ۱۳۹۷ش، ۱۷). بر این اساس، مراد از گونه‌شناسی تدبیر در احادیث معصومین (ع) در این نوشتار عبارت است از: بازبایی و بازشناسی گونه‌های مختلف تدبیر معصومین (ع) در قرآن، بر اساس معیاری که در بیان مسأله گذشت و مبنایی که در خصوص تفاوت میان تفسیر و تدبیر مطرح شد.

«تدبیر» در اصل، از کلمه دُبُر در برابر قُبُل گرفته شده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ۴: ۲۶۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۰۶). ترجمه دُبُر در زبان فارسی به صورت دنبال، دنباله، پی، پشت، عقب، آخر، آینده، غایب، پس و ذیل هر چیزی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ۷: ۱۰۴۶۲). بنابراین، تدبیر یعنی به آغاز و صورت و ظاهر چیزی قانع نشدن و در پی ادامه و آخر و عاقبت آن بودن و ماوراء و پس هر چیزی را جستن. برخی از مؤلفه‌های معنایی تدبیر در کلام پژوهشگران عبارتند از: تأمل در الفاظ و معانی و تبصّر در آن (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۸۷)، تأمل در یک آیه پشت سر آیه دیگر (طباطبائی، ۱۳۹۷ش، ۵: ۲۰)، پی‌گیری آیات به صورت پیاپی و تأمل در روابط آن‌ها با یکدیگر (همان، ۵: ۲۶)،

قرار دادن هر کلمه پشت سر کلمه دیگر به منظور توضیح قرآن به وسیله قرآن (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰: ۵۰۹)، نظر در عواقب امور و تأویل مسائل (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۲۶۹)، توقف نکردن در قبال ظواهر معانی و حوادث و کوشش برای شناختن ماوراء آن‌ها (مدرّسی، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۳۸)، شنیدن قرآن (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ۳: ۱۰۱۴)، نظر و تفکر در غایبات و مقاصد کلام (مراغی، بی‌تا، ۵: ۱۰۳)، طلب هدایت و دلالت از قرآن (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ۲: ۴۵۷)، استخراج گوهرهای معانی قرآن به وسیله غواصی فکر و استنباط (قشیری، بی‌تا، ۱: ۳۵)، پشت سرهم قرار دادن اجزای کلام به منظور دست‌یابی به معانی جدید (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۱: ۲۳۷)، تدبیر یعنی حصول و تحقق مفهوم تدبیر و گزینش و اخذ و اختیار عاقبت‌دار بودن قرآن و بدست آوردن این معنا در قرآن (مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ۶: ۱۰۲).

بی‌شک هیچ‌یک از این موارد را نمی‌توان از حوزه معنایی تدبیر خارج کرد؛ طبق معنای لغوی تدبیر، همه این مؤلفه‌ها با ملاحظات می‌توانند در این حوزه داخل باشند و البته مؤلفه‌های دیگری هم می‌توانند به آن‌ها افزوده شوند؛ مؤلفه‌های جدیدی که لزوماً از سنخ اندیشیدن و از صنف برداشت کردن نیستند و همچون غالب موارد مذکور، صرفاً فعل و فعالیت نمی‌باشند، بلکه جنبه قبول و پذیرش هم دارند.

#### ۴-۱. تدبیر در تقدیم و تاخیر واژگان آیات

مسئله تقدیم و تاخیر واژگان قرآن، زمینه گسترده‌ای برای تدبیر است. این مقوله در میان انواع علوم قرآنی نیز باب ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و حتی کتاب‌های مستقلی نیز در این خصوص تألیف شده است (برای نمونه، نک: سیوطی، ۱۴۲۲ق، ۱۴۰۰). احادیث متعددی را می‌توان یافت که در آن‌ها دقت و توجه معصومین (ع) به این مسئله قابل پیگیری و الگوگیری است؛ از جمله:

۱. جابر می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) وقتی وارد مکه شد، خانه خدا را هفت بار طواف کرد سپس این آیه را قرائت فرمود: «وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیًّا»، آن‌گاه پشت مقام ابراهیم نماز گذارد، سپس حجرالاسود را استلام کرد. آن‌گاه فرمود: «بَبَدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ؛ خداوند با هرچه آغاز کرده، ما هم با آن آغاز می‌کنیم». سپس سعی خود را از صفا شروع کرد و این آیه را تلاوت نمود: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ» (البقره: ۱۵۸) (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۱۸۲).

در این حدیث، پیامبر اکرم (ص) به جایگاه قرار گرفتن کلمات در این آیه توجه کرده و

با استناد به تقدیم و تأخیر دو کلمه: «صفا و مروه» فرموده‌اند که در مناسک حج، سعی میان صفا و مروه باید از صفا آغاز و در مروه پایان یابد؛ زیرا در متن آیه، کلمه صفا جلوتر از مروه آمده است. تعبیر «نَبَدًا بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ».

۲. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) تَابِعَ بَيْنَ الْوُضُوءِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اِبْدَأُ بِالْوَجْهِ ثُمَّ بِالْيَدَيْنِ ثُمَّ امْسَحِ الرَّأْسَ وَالرِّجْلَيْنِ وَلَا تَقْدَمَنَّ شَيْئًا بَيْنَ يَدَيَّ شَيْءٍ تُخَالِفُ مَا أَمَرْتُ بِهِ وَسَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ اِبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۲۷۴).

در این حدیث، امام باقر (ع) ابتدا در خصوص وضوء، زراره را به رعایت ترتیب افعال وضوء - آن گونه که در قرآن ذکر شده است - فرمان داده و در پایان در قالب یک توصیه کلی فرمود: «اِبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ».

۳. در حدیثی، امام حسین (ع) به گزارش از امام علی (ع)، با اشاره به آیه ۷۱ سوره توبه بر اهمیت و اولویت و نقش کلیدی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به سایر فرائض دینی تأکید می‌کنند و در این مورد، به جلوتر ذکر شدن این دو فریضه الهی نسبت به اقامه نماز و پرداخت زکات و اطاعت خدا و رسول استناد می‌کنند: «وَقَالَ: الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ مِنْهُ لِعَلِّمَهُ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيتْ وَأُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا» (حرر عاملی، ۱۴۱۴ق، ۱۶: ۱۳۰).

۴. امام زین العابدین (ع) با استناد به ترتیب و تقدیم و تأخیر کلمات «اللهم، ملائکه و اولوالعالم» در آیه شریفه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ...» (آل عمران: ۱۸) و مقارنه‌ای که میان آن‌ها صورت گرفته است، مقام اهل علم را تعظیم کرده و آنان را قرین ملائکه دانسته و می‌فرماید: «... فَبَدَأَ بِنَفْسِهِ وَتَنَّى بِمَلَائِكَتِهِ وَثَلَّثَ بِأَوْلِي الْعِلْمِ الَّذِينَ هُمْ قُرْنَاؤُ مَلَائِكَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۸۱).

بر مبنای این قبیل از احادیث، می‌توان گفت ترتیب و چینش کلمات و عبارات قرآن از حساب و کتاب آسمانی برخوردار است و حاوی لطایف و اشارات بسیاری است که در پرتو رهنمودهای پیشوایان دین می‌توان به برخی از آن‌ها دست یافت.

#### ۲-۴. نقش کلیدی آیات پیشین و پسین، در فهم صحیح واژگان

قرآن پژوهان به رسم دیرین و جهت فهم معانی واژگان قرآن، به سراغ ترجمه‌ها و کتب لغت و تفاسیر می‌روند؛ یکی از راه‌هایی که می‌تواند ضریب اطمینان ما را از معنایی که برای کلمات قرآن یافته‌ایم، بالا ببرد و یا معنای حقیقی کلمات قرآن را به ما بیاموزد،

توجه جدی به عبارات و آیات بعدی و قبلی و سیاق آن واژه مورد بحث است. در تفسیر واژه «صمد» در سوره اخلاص، گویا مجادلاتی در میان مردم اهل بصره صورت گرفته بود که معنای دقیق این کلمه چیست؟ امام حسین (ع) در نامه‌ای خطاب به اهالی بصره، آنان را از مجادله در معانی الفاظ قرآن نهی کرده و به خود قرآن ارجاع داده و فرمودند خداوند خود «صمد» را در دو آیه بعدی «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ» معنا فرموده است (صدوق، ۱۳۹۸ق، ۹۱). امام (ع) در این حدیث بیش از آن که در مقام تبیین معنای صمد باشد، در پی آن است که یک قاعده کلی در رابطه با فهم کلمات و مفردات قرآن ارائه دهد و آن قاعده این است که هنگام مواجهه با کلمات و ترکیبات ناآشنا (غریب القرآن) بحث و جدل بی جا نکنیم و به منابع لغوی و ترجمه‌ها و تفاسیر بسنده نکنیم، بلکه ابتدا در خود قرآن به خصوص در آیات بعدی و قبلی آیه، تدبیر کنیم و مقصود خداوند را عمدتاً از این راه بدست آوریم، آن گاه به منابع دیگر مراجعه کنیم.

نمونه‌ای از این قبیل دقت‌ها و تدبیرهای کارساز و تعیین‌کننده را در خصوص کلمه «هلوع» می‌توان تجربه کرد: «انَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (المعارج: ۱۹). مطمئناً معنای حقیقتی این کلمه، همان است که در دو آیه بعدی ذکر شده است: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (المعارج: ۲۰-۲۱). هلوع کسی است که به هنگام شر و ضرر و زیان، جزع و فزع و آه و ناله سر می‌دهد و به هنگام خیر و خوبی و برخورداری از نعمت‌ها دیگران را از آن محروم می‌کند.

#### ۳-۴. نکته‌سنجی در ساختار زبانی کلمات

ساختار زبانی (صرفی، نحوی و ...) کلمات قرآن بی‌شک گسترده‌ای برای تحقیق و تدبیر در قرآن می‌باشد. نمونه‌ای از این توجه و دقت، در حدیثی به نقل از تفسیر البرهان قابل مشاهده است. امام علی (ع) با تمرکز بر ساختار زبانی یکی از کلمات قرآن می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالشُّخْطُ، وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَهُ تَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۲۲۰).

در این نمونه، امام با دقت در ساختار کلمه «فَعَقَرُوْهَا» (الشعراء: ۱۵۷) که به صورت جمع آمده است نه مفرد، به نکته بسیار ظریفی دست یافته‌اند و از آن نکته به یک قانون و قاعده کلی رسیده‌اند. امام (ع) گویا با خود اندیشیده است؛ که قاتل ناقه صالح

۱. سیاق همان اسلوب کلام و نحوه چینش کلمات و عبارات و نظم خاص و روند کلی سخن می‌باشد (بابایی، ۱۳۸۱ش، ۱۲۰).

یک نفر بود، بنابراین لفظ کریمه باید به صورت مفرد می‌آمد «فَعَقَرَهَا». جمع بودن آن حاوی این نکته است که: هرچند قاتل ناقه صالح یک نفر بود، اما آنان که راضی به این کار بودند، بسیار بودند و خداوند همه آنان را به دید قاتل نگریسته و فعل «عقر» را به همه آنان نسبت داده است. همین رضایت و نارضایتی است که موجب می‌شود انسان در زمره گروهی قرار گیرد و یا از زمره آنان خارج گردد: «إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَا وَالسُّخْطُ». این برداشت امام، زمینه‌های متنوعی از تدبیر در قرآن را برای ما فراهم می‌کند که در ساختار واژگان قرآنی بیاندیشیم و از آن‌ها نکته‌ها و حکمت‌ها و قانون‌ها و قاعده‌ها برگیریم؛ از جمع یا مفرد بودن افعال؛ از حاضر یا غایب بودن افعال، از....

#### ۴-۴. نکته‌سنجی در مفهوم کلی آیات

پیشوایان دین همان‌گونه که از یک کلمه یا از ساختار یک کلمه و عبارت، به نکات لطیفی دست می‌یافتند؛ گاه با تمرکز در یک آیه و مفهوم کلی آن، به حقایق ارزشمندی نایل می‌شدند؛ نمونه‌هایی از این نکته‌سنجی، در این دو حدیث مشهور از امیرمؤمنان (ع) قابل مشاهده است:

امام علی (ع) فرمود: تمامی زهد و پارسایی در دو جمله از قرآن خلاصه شده است: «لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (الحدید: ۲۳)، پس اگر کسی نسبت به آن چه از دست داده، افسوس نخورد و نسبت به آن چه به دست آورده، فرحناک نگردد، حق زهد را به جا آورده است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۵۵۳).

در حدیثی دیگر امام (ع) می‌فرماید: «أما إن في القرآن لآية تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ: وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ همانا در قرآن، آیه‌ای هست که همه طب را یک‌جا در خود گرد آورده است: بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۲: ۲۶۷).

این قبیل اظهارات از معصومین، حاصل تدبیر و تعمق آنان در قرآن می‌باشد. هرچند شکی نیست که مقام امامت و عصمت ایشان در این قبیل دریافت‌ها از قرآن، مؤثر بوده است، اما این مسأله موجب نمی‌شود که غور در آیات و کشف علوم و معارف مختلف از قرآن و مشاهده حقایق هستی در آئینه آیات، از عهده دیگران ساقط شود. کما این که خود معصومین (ع) با بیان‌های گوناگون ما را به داشتن چنین رویکردی به آیات قرآن تشویق نموده‌اند. امام سجاد (ع) فرمود: «آیات القرآن خَزَائِنٌ فَكُلَّمَا فَتِحَتْ خِزَانَةٌ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۲: ۶۱۰). بنابراین هنگام قرائت قرآن شایسته است به هوش باشیم و هریک از آیات قرآن را یک خزانه بی‌انتها بدانیم که شایسته درنگ و

تعمق است نه لایق مرور و گذر. گفتنی است دانشمندانی همچون غزالی پا را فراتر گذارده و نه هر آیه بلکه هریک از کلمات قرآن را مدخل و مطلع یک علم برشمرده‌اند (غزالی، ۱۳۵۱ق، ۱: ۲۸۹).

#### ۴-۵. تبیین آیات با یکدیگر

مظاهر و مصادیق تبیین آیات قرآن با یکدیگر در راستای فهم صحیح قرآن (تدبّر در قرآن) در سنت و سیره معصومین (ع) فراوان است. پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع)، در این ارجاعات یقیناً قواعد و اصول خاصی را رعایت می‌کرده‌اند که می‌توان با استخراج و تحلیل و بررسی آن‌ها به یک الگوی جامع در ارجاع آیات به یکدیگر دست یافت. به عنوان نمونه امیرمؤمنان (ع) فرمود: «... فَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبحَانَهُ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيَثِّبْ أقدامَكُمْ» وَقَالَ تَعَالَى «مَنْ ذَا الَّذِي يقرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيضاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» فَلَمْ يَسْتَنْصِرْكُمْ مِنْ ذَلِّ وَلَمْ يَسْتَقْرِضْكُمْ مِنْ قُلِّ اسْتَنْصِرْكُمْ «وَلَهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» وَاسْتَقْرِضْكُمْ «وَلَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» وَإِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً...» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۲۶۶).

براساس این حدیث، بسیاری از آیاتی که بیان کلی دارند، مانند آیه «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» و امثال آن نسبت به بسیاری دیگر از آیات، می‌توانند جنبه تبیین و توضیح داشته باشند. کما این‌که در این حدیث امام (ع) ماهیت واقعی کمک خواستن و قرض خواستن خدا را در پرتو همین آیات تبیین کرده‌اند که یاری طلبی خداوند از روی ذلت و ناتوانی، و وام‌خواهی او بابت فقر و تنگدستی نیست.

#### ۴-۶. مخاطبه با کلام الله

حاصل تدبّر معصومین (ع)، همیشه به شکل مطالب و گزاره‌های اعتقادی و اخلاقی و ... جلوه نکرده، بلکه صورت‌های دیگری نیز به خود گرفته است. برداشتهای معصومین (ع) از قرآن، گاه به صورت مخاطبه با قرآن تجلی کرده است. ایشان همواره خود را مخاطب آیات قرآن کریم می‌دیدند و در برخی موارد به هنگام قرائت قرآن، ارتباط دو سویه با قرآن برقرار کرده و در مقام مخاطبه با کلام الله، عباراتی گاه در تصدیق فحوای کلام، گاه در پاسخ به سؤال مطرح شده در آیه و گاه در مقام امثال امر خداوند که در آیه بیان شده است، به زبان جاری می‌ساختند. قرائت قرآن با چنین رویکردی، یکی از اساسی‌ترین ارکان تدبّر در قرآن است. برخی از گونه‌های این مخاطبه به شرح زیر است:

۱. امام صادق (ع) فرمود: «پس از تلاوت آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، با خود بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و پس از تلاوت آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، با خود بگو: اعوذ برب الناس» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۶۰: ۲۴۶).

۲. پیامبر اکرم (ص) پس از اتمام سوره قیامت به دنبال آیه «أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ»، عبارت «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبَلَىٰ» را بر زبان جاری می‌ساختند (سیوطی، ۱۳۶۵ ش، ۶: ۲۹۶). مشابه این رفتار از امام رضا (ع) هم گزارش شده است (قمی، ۱۳۶۸، ق، ۱۴: ۴۶).

۳. ابوامامه گزارش می‌دهد: که همراه رسول خدا (ص) نماز گزاردم. آن حضرت پس از انجام فریضه حج، سوره قیامت را مرتب تلاوت می‌کردند. هنگامی که آیه آخر: «أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ» را قرائت کردند، عرض کردند: «بَلَىٰ وَآنَا عَلَىٰ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (سیوطی، ۱۳۶۵ ش، ۶: ۲۹۶).

۴. به گزارش زبیر بن عوام، پیامبر اکرم (ص) در عرفه، آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ» را تا آخر «هو العزيز الحكيم» خواندند و پس از آن گفتند: «وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ يَا رَبِّ» و به روایت دیگری گفتند: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنَّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (همان، ۲: ۱۲).

۵. صالح بن مسمار می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) وقتی آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ؟» را قرائت کردند فرمودند: «جهل او» (همان، ۶: ۳۲۳). طبق این حدیث شریف، بسیاری از آیات که حامل سؤالاتی هستند می‌توانند محل توجه و تمرکز انسان قرار گیرند و انسان شایسته است که در مقام پاسخ‌گویی به این سؤالات برآید.

۶. از امام علی (ع) نقل شده است؛ که پس از قرائت آیات «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا... حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» فرمودند: «يَا لَهُ مَرَامًا مَا أَبْعَدُهُ! وَرَوْرًا مَا أَغْفَلُهُ! وَخَطَرًا مَا أَفْطَعُهُ! لَقَدْ اسْتَحْلَوْا مِنْهُمْ أَيَّ مُدْكِرٍ، وَتَنَاوَسُوهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ! أَلَيْسَ صَارَ أَبَانَهُمْ يَفْخَرُونَ! أَمْ بَعْدِيذِ الْهَلْكَى يَتَكَاثَرُونَ! يَرْتَجِعُونَ مِنْهُمْ أَجْسَادًا خَوْثٌ، وَحَرَكَاتٍ سَكَنَتْ وَ لَأَنْ يَكُونُوا عَبْرًا، أَحَقُّ مِنْ أَنْ يَكُونُوا مُفْتَخَرًا...؛ شگفتا، چه مقصدی دور و چه دیدارکنندگانی غافل و چه کاری بزرگ و رسواکننده! جایگاه مردگان را از آنان تهی پنداشتند و آنان عجب اندر زدهندگان هستند! از جایی دور آن‌ها را طلب نمودند، آیا بر گورهای پدرانشان می‌بالند یا به فزونی مردگانشان بر یکدیگر می‌نازند. می‌خواهند که آن پیکرهای بی‌جان و بی‌جنبش بازگردند، حال آن‌که، آن‌ها اگر مایه عبرت باشند، بهتر از آن است که موجب مباهات» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۴: ۴۳۴).



ملاحظه می‌شود که در این حدیث شریف، آیات سوره تکاثر که ما آن‌ها را معمولاً می‌خوانیم و رد می‌شویم، چگونه زمینه توجه و تأمل و تدبیر امام علی (ع) قرار گرفته و پایه ایراد خطبه‌ای باشکوه شده است. امام با قرائت سوره تکاثر، راجع به افرادی که گرفتار تکاثر و تفاخر گشته‌اند، پی در پی به اظهار تعجب و تحیّر و استفهام می‌پردازد و با این قرآن صاعدی که در برابر قرآن نازل (سوره تکاثر) از خود بجای می‌گذارد، به ما می‌آموزد که از آیات قرآن نباید عبور کرد و در برابر آن‌ها باید هرچند در حدّ یک تعجب و استفهام از خود واکنش نشان داد.

در گزارش دیگری آن حضرت به هنگام تلاوت آیه: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» فرمودند: «أَذْحَضُ مَسْئُولٍ حُجَّهً وَأَقْطَعُ مُغْتَرِّ مَعْذِرَةً لَقَدْ أَبْرَحَ جَهَالَهُ بِنَفْسِهِ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ وَمَا جَرَّكَ عَلَى ذَنْبِكَ وَمَا آتَسَّكَ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ أَمَا مِنْ دَانِكَ بُلُولٌ أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمَتِكَ يَقْظُهُ أَمَا تَرْحَمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَرْحَمُ مِنْ غَيْرِهَا...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۸: ۱۹۲). در این حدیث شریف، امام علی (ع) هم‌آوا با کلام الله، سؤال خدا «ماغرک برّبک» را با الفاظ و عبارات دیگری تکرار می‌کنند و این توییح الهی را با الفاظی از خودشان ادامه می‌دهند.

عبارت «کان اذا» که در این قبیل احادیث، فراوان به چشم می‌خورند، حاکی از عادت همیشگی ائمه هدی (ع) در این قبیل مخاطبه‌ها با کلام الله مجید می‌باشد؛ مثلاً «وَكَانَ إِذَا قَرَأَ وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ...» یعنی عادت آن حضرت به هنگام قرائت سوره تین این بود که ... (برای تفصیل، رک: مرادی و رحمانی‌زاده، ۱۳۹۴ش، ۵۰).

#### ۴-۷. دعا و تدبیر در قرآن

حسّ مخاطبه با کلام الله و تدبیر در آیات قرآن در سیره معصومین (ع)، گاه در قالب دعا بروز کرده است. در این جا ممکن است سؤال شود که اقتباس دعا از قرآن چگونه می‌تواند تدبیر محسوب شود در پاسخ باید گفت طبق آنچه در معنای لغوی و اصطلاحی آمد، تدبیر از یک نگاه، همان اقتباس است؛ قبس برگرفتن از آیات؛ حال، این قبس می‌تواند یک مطلب باشد یا یک دعا و یا چیز دیگر، آنچه مسلم است این است که بدون توقف و تمرکز و دقت در آیات، اقتباس و استخراج این دعاها ممکن نیست.

۱. از پیامبر اکرم (ص) گزارش شده؛ که آن حضرت به هنگام تلاوت آیات «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَقَهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَهَا»، با اقتباس از خود این آیات، عرض می‌کرد: «اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَرَزَقَهَا خَيْرٌ مِنْ رَزَقِهَا» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۵۱).

۲. به گزارش عبدالرحمن بن کثیر، امام صادق (ع) فرمود: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى زَوْجَتِهِ فِي لَيْلَةٍ بَنَانِهِ بِهَا فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، وَبِكَلِمَتِكَ اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا، اللَّهُمَّ فَإِنْ جَعَلْتَ فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ بَارِئاً تَقِيّاً مُؤْمِناً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكَاً لِلشَّيْطَانِ. فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَهَلْ يَكُونُ فِيهِ شِرْكٌ لِلشَّيْطَانِ قَالَ: نَعَمْ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِإِبْلِيسَ: وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ الْآيَةَ...؛ هنگامی که یکی از شما در شب زفاف پیش همسرش وارد می‌شود، بگوید: خدایا به امانت تو او را گرفتم و با سخن توفرج او را بر خود حلال کردم، خدایا اگر در رحم او چیزی قرار می‌دهی او را نیکوکار و پرهیزگار و مؤمن و سالم قرار بده و شیطان را در آن شرکتی قرار نده؛ راوی می‌گوید: گفتیم: فدایت گردم آیا در آن، شیطان هم شریک می‌شود؟ فرمود: آری ای عبدالرحمن، آیا سخن خداوند را خطاب به ابلیس نشنیدی: «وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»؟» (همان).

در این حدیث امام (ع) با اقتباس از عبارت «وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (الاسراء: ۶۴) به اصحاب خود تعلیم می‌دهد؛ که هنگام قصد مباشرت با همسر خود این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ فَإِنْ جَعَلْتَ فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ بَارِئاً تَقِيّاً مُؤْمِناً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكَاً لِلشَّيْطَانِ». این تعلیم باب وسیعی در رابطه با دعا به روی ما می‌گشاید که از یکایک آیات قرآن حتی قصص قرآن بتوانیم دعاهای مختلف اقتباس کنیم و در پرتو آن‌ها به پیشگاه خدا عرض حاجت کنیم و در عین حال بر اُنس خود با الفاظ و عبارات قرآن بیافزاییم.

## ۵. نتیجه‌گیری

۱. پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) طبق رسالتی که دارند، گونه‌های بایسته و شایسته تدبیر در قرآن را برای الگوگیری پیروان خود، در احادیث خود با ظرافت تمام، ترسیم نموده و نمونه‌هایی از تدبیر و نکته‌سنجی در الفاظ قرآن را ارائه داده‌اند. ایشان که تا این اندازه، بر مسأله تدبیر تاکید کرده‌اند، خود نیز در تعاملشان با قرآن نسبت به تدبیر، عنایت و ویژه‌ای داشته‌اند و همواره پیروان خود را تشویق به تدبیر می‌کردند و از این‌که آنان پاسخ سؤالات خود را از قرآن در نمی‌یابند اظهار ناخشنودی می‌نمودند و عملاً با ارائه نمونه‌های تدبیر، آنان را به این فضا وارد می‌کردند.

۲. با توجه به این‌که که در جامعه ما باب تدبیر در قرآن گشوده‌تر شده و حتی برخی جریان‌های تدبیر در قرآن شکل گرفته و روش‌ها و شیوه‌هایی نیز به این منظور

ارائه شده است، ضروری است در رابطه با تدبیر در قرآن و قواعد و روش‌های آن در احادیث معصومین (ع)، هرچه بیشتر تحقیق صورت گیرد و روش‌ها و الگوهای شایسته تدبیر در قرآن ارائه شود تا از آسیب‌های احتمالی که همواره در این مسیر مطرح بوده و هست، احتراز گردد.

۳. با توجه به ضرورت فوق در این مقاله کوشیده شد تا گونه‌هایی از تدبیر معصومین (ع) و نه تفسیر و تأویل ایشان، بسان روش‌ها و الگوهای عملی و کاربردی استخراج و معرفی گردد. پرواضح است گونه‌های بسیار دیگر در این دست احادیث، بی‌آن‌که نام و نشانی داشته باشند، نهفته‌اند و کاوش محققان را می‌طلبند.

۴. در احادیثی که در این مقاله، به عنوان مظاهر و مصادیقی از تدبیر معصومین (ع) در قرآن، ذکر شد، ماهیت نکته‌های برداشت شده از آیات، به گونه‌ای است که دریافت آن‌ها از سوی افراد غیر معصوم نیز ممکن بوده و اصولاً صدور این قبیل احادیث، به منظور الگودهی و ترغیب و تشویق اصحاب به تدبیر در قرآن هم بوده است.

۵. مسأله تقدیم و تأخیر واژگان قرآن، زمینه گسترده‌ای برای تدبیر است؛ احادیث متعددی را می‌توان یافت که در آن‌ها دقت و توجه معصومین (ع) به این مسأله قابل پیگیری و الگوگیری است.

۶. یکی از راه‌های دسترسی به معنا و مفهوم صحیح واژگان قرآن، توجه جدی به عبارات بعدی آن‌هاست. این دقت و توجه در احادیث معصومین (ع) نیز به وفور مشاهده می‌شود و روش‌ها و الگوهای بسیاری را برای تدبیر در اختیار ما می‌گذارد.

۷. تدبیر در ساختار واژگان قرآنی مانند جمع یا مفرد بودن افعال، حاضر یا غایب بودن افعال و...، زمینه دیگری است برای استخراج لطایف و ظرایف آیات، که نمونه‌هایی از این توجه و دقت در احادیث معصومین قابل الگوگیری می‌باشند.

۸. پیشوایان دین همان‌گونه که از یک کلمه یا از ساختار یک کلمه و عبارت، به نکات لطیفی دست می‌یافتند؛ گاه با تمرکز در یک آیه و مفهوم کلی آن، به حقایق ارزشمندی نایل می‌شدند؛ نمونه‌هایی از این نکته‌سنجی، در بیان احادیث قابل پیگیری است.

۹. مظاهر و مصادیق تبیین آیات قرآن با یکدیگر در راستای فهم صحیح قرآن (تدبیر در قرآن) در احادیث معصومین (ع) فراوان است. پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع)، در این ارجاعات یقیناً قواعد و اصول خاصی را رعایت می‌کرده‌اند که می‌توان با استخراج و تحلیل و بررسی آن‌ها به یک الگوی جامع در ارجاع آیات به یکدیگر دست یافت.

۱۰. حاصل تدبیر معصومین (ع) در قرآن، گاه به صورت مخاطبه با قرآن تجلی کرده است. ایشان همواره خود را مخاطب آیات قرآن کریم می‌دیدند و در برخی موارد به هنگام قرائت قرآن، ارتباط دو سویه با قرآن برقرار کرده و در مقام مخاطبه با کلام‌الله، عباراتی گاه در تصدیق فحوای کلام، گاه در پاسخ به سؤال مطرح شده در آیه و گاه در مقام امثال امر خداوند که در آیه بیان شده است، به زبان جاری می‌ساختند.

۱۱. حسّ مخاطبه با کلام‌الله و تدبیر در آیات قرآن در احادیث معصومین (ع)، گاه در قالب دعا بروز کرده است. این تعلیم باب وسیعی به روی ما می‌گشاید که از یکایک آیات قرآن حتی قصص قرآن بتوانیم دعاهای مختلف اقتباس کنیم و در عین حال بر انس خود با الفاظ و عبارات قرآن بیافزاییم.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبه نزار، ۱۴۱۹ق.
- ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب. قم، ادب‌الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- اخوت، احمدرضا، آموزش روش‌های تدبیر در قرآن (دوره ده جلدی)، تهران، نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، ۱۳۸۲ش.
- بابایی، علی‌اکبر و دیگران، مکاتب تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ش.
- بازرگان، عبدالعلی، متدولوژی تدبیر در قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴ش.
- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن. تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ق.
- بصیرتی برزکی، مریم، گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات تفسیری محمد بن سنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ش.
- بیستونی، محمد، تدبیر در قرآن، شامل زمینه‌ها، کلیدها، اصول، قم، بیان جوان، ۱۳۳۷ش.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- پورکبیریان، زهرا، گونه‌شناسی و تحلیل روایات تفسیری ذیل آیات ۵۱ تا ۷۵ سوره نساء، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۴ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
- ثعالبی مالکی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر ثعالبی (الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- جلالی‌کندری، سهیلا؛ امینی فریده، «گونه‌شناسی روایات امام حسن مجتبی»، حدیث پژوهی، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش، شماره ۱۱، صص ۲۴۰-۲۶۰.
- \_\_\_\_\_؛ میثاقی، عذرا، «گونه‌های روایات تفسیری امام سجاد (ع) در حوزه تعیین مصداق»، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۴، سال ۱۳۹۰ش، شماره ۸، صص ۲۷-۶۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات

- وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- خاکپور، حسین، «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام صادق (ع)»، قرآن پژوهی حسنا، ۱۳۹۱ش، شماره ۱۲، صص ۹۱-۱۲۱
- خالدی، هانی، بررسی سندی و گونه‌شناسی روایات تفسیری سوره اسرا (آیه ۱ تا ۱۴) و آموزه‌های تربیتی آن‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۶ش.
- خمینی، سید روح‌الله، آداب الصلوه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ش.
- خوشدونی، مهدی، گونه‌پژوهی تحلیلی روایات تفسیری ثقه الاسلام کلینی در اصول کافی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران ۱۳۹۶ش.
- خوش‌منش، ابوالفضل، «تدبر در قرآن اصلی بنیادین در تعامل با کلام‌الله مجید»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، زمستان ۱۳۸۷ش، شماره ۱، صص ۱۴۶-۱۸۵
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- راد، علی، گونه‌شناسی احادیث قرآنی امامیه، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۷ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۲ق.
- رستم‌نژاد، مهدی، «گونه‌شناسی روایات تفسیری»، حسنا، ۱۳۸۸ش، شماره ۱، صص ۴۸-۶۰
- ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰ش.
- سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، دمشق، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ش.
- \_\_\_\_\_، الاتقان فی علوم القرآن، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ق.
- صادقی‌تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ق.
- \_\_\_\_\_، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
- صفیری، علی، بررسی روایات تفسیری سوره آل عمران در مهمترین تفاسیر مأثور شیعیه و اهل سنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷ش
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
- عابدی، احمد؛ خاکپور، حسین، «گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی (ع) در روایات تفسیری اهل سنت»، پژوهشنامه علوی، ۱۳۹۰ش، شماره ۱، صص ۲۲-۴۰
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، جاویدان، ۱۳۵۰ش.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۵۱ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب، بی‌تا.
- کافیجی، محمد بن سلیمان، التیسیر فی قواعد علم التفسیر، قاهره، مکتبه القدسی، بی‌تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۵ش.

- کوهی، عادلہ و دیگران، «گونه‌شناسی روایات معناشناخت واژگان قرآن»، مجله تفسیر اهل بیت، دوره ۲، ۱۳۹۳ش، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۴۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- محموظی، سید یوسف؛ بستانی، قاسم؛ باجی، نصره، «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام باقر (ع)»، سراج منیر، دوره ۶، ۱۳۹۴ش، شماره ۲۰، صص ۸۶-۱۱۹.
- محمدعلی‌نژاد، روح‌الله، «تدبیر در فهم قرآن»، سراج منیر، دوره ۶، ۱۳۹۴ش، شماره ۲۰، صص ۱۵۰-۱۷۳.
- مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبتی‌الحسین، ۱۴۱۹ق.
- مرادی زنجانی، حسین، روش‌ها و شیوه‌های تدبیر در قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ش.
- \_\_\_\_\_؛ رحمانی‌زاده، حسین، «مخاطبه با کلام الله، رکن اصلی ترتیل»، مشکوه، تابستان ۱۳۹۴ش، شماره ۱۲۷، صص ۵۰-۶۹.
- مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر مراغی، بیروت، احیاء التراث العربی، بی تا.
- مصلانی‌پور یزدی، عباس؛ دیمه کارگراب، محسن، «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام رضا (ع)»، حدیث پژوهی، ۱۳۸۹ش، شماره ۳، صص ۷۵-۹۶.
- ملاحویش آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعه الترقی، ۱۳۸۲ق.
- مهریزی، مهدی، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، علوم حدیث، دوره ۱۵، ۱۳۸۹ش، شماره ۱، صص ۴-۳۴.
- موسوی، سید محسن؛ خلیلی، میثم، «گونه‌شناسی روایات تفسیری در فضیلت امام حسین (ع)»، حدیث حوزه، ۱۳۹۵ش، شماره ۱۳، صص ۹۳-۱۱۴.
- ناصر، علی‌احمد؛ بهرامی، فریده، «گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت (ع) در سوره لقمان»، حسنا، دوره ۸، ۱۳۹۵ش، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۱۹۳-۲۱۴.
- نقی پورفر، ولی‌الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران، اسوه، ۱۳۹۲ش.
- نوروزی، مجتبی؛ برادران، مجید، «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری حضرت زهرا سلام الله علیها»، سفینه، ۱۳۹۳ش، شماره ۴۳، صص ۲۶-۴۴.
- نیشابوری، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- وحدتی شیبیری، سیده زینب، «تحلیل و گونه‌شناسی روایات تفسیری معصومین (ع)»، حدیث و اندیشه، دوره ۸، ۱۳۹۲ش، شماره ۱۵، صص ۱۷۷-۱۹۲.